



نوع مواجهه امیر مؤمنان علی علیه السلام با ایرانیان غیرمسلمان (عصر حاکمیت)

یدالله حاجی زاده / استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

y.hajizadeh@isca.ac.ir

 orcid.org/0000-0003-1330-089X

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴

چکیده

آگاهی از نوع مواجهه امیر مؤمنان علی علیه السلام با ایرانیان غیرمسلمان در زمان حاکمیت خویش، از آن جهت که می‌تواند الگویی شایسته از فرهنگ برخورد با غیرمسلمانان را به‌نمایش بگذارد و نیز در روشن‌تر شدن چگونگی مواجهه آن حضرت با ایرانیان و رفع پاره‌ای از شبهات و گمانه‌ها مؤثر باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است. سؤالی که این نوشتار در صدد است تا پاسخ شایسته‌ای برای آن بیابد، این است که نوع مواجهه امیر مؤمنان علیه السلام با ایرانیان غیرمسلمانان در زمان حاکمیت خویش چگونه بوده است؟ دستاورد این نوشتار که با بهره‌گیری از شیوه توصیفی - تحلیلی سامان یافته، چنین است: امام علی علیه السلام در برابر غیرمسلمانان سیاست مدارا را در پیش گرفته و آنان را به‌عنوان اهل ذمه پذیرفته بودند و تحکمی بر آنان روا نمی‌داشتند؛ عدالت را در برخورد با آنان رعایت می‌کردند و می‌کوشیدند مشکلات آنان را برطرف سازند؛ در دریافت جزیه و خراج بر آنان سخت‌گیری نمی‌کردند و در مواردی هدایای آنان را نیز می‌پذیرفتند. امام رأفت اسلامی را در برخورد با آنان به‌نمایش می‌گذاشتند و این رفتار مداراگونه در گرایش آنان به اسلام و اهل‌بیت علیهم السلام بی‌تأثیر نبوده است.

کلیدواژه‌ها: امیر مؤمنان علی علیه السلام، ایرانیان غیرمسلمان، زرتشتیان، مدارا، عصر حاکمیت امیر مؤمنان علیه السلام.

با گسترش فتوحات اسلامی در کشورهای مجاور عربستان، همانند ایران و روم، مسلمانان با جمعیت زیادی از غیرمسلمانان مواجه شدند. نوع مواجهه مسلمانان با این طیف وسیع، از آن روی که می‌توانست در گرایش آنان به اسلام مؤثر باشد، اهمیت خاصی داشت. از جمله مهم‌ترین کشورهای که در صدر اسلام جمعیت زیادی غیرمسلمان را در خویش جای داده بود، ایران بود. ایران در آن زمان از نظر جغرافیایی منطقه‌ای وسیع را شامل می‌شد که علاوه بر ایران کنونی، سرزمین‌های عراق، سواحل غربی و جنوبی خلیج فارس، افغانستان و مناطق شرقی و غربی دریای خزر، که امروزه در قالب کشورهای تازه استقلال یافته‌ای چون آذربایجان، ارمنستان، ازبکستان و تاجیکستان نمود یافته‌اند، دربرمی‌گرفت. امیرمؤمنان علی علیه السلام ضمن اینکه پیش از دستیابی به حکومت، رفتارها یا سخنانی داشتند که به ایرانیان غیرمسلمان مربوط است، در دوره حاکمیت خویش بر جامعه اسلامی نیز، در مواردی با ایرانیان غیرمسلمان تعاملاتی داشته‌اند؛ به‌ویژه آنکه ایران به‌عنوان کشوری وسیع، در دوره خلافت آن حضرت تحت حاکمیت ایشان بود. آشنایی دقیق و علمی با سیره آن حضرت در برخورد با ایرانیان، بخصوص ایرانیان غیرمسلمان، می‌تواند تا حد زیادی روشنگر پاره‌ای از ابهامات و تصحیح برخی از گمانه‌ها درباره آن حضرت باشد.

ایرانیان را در دوره امام علی علیه السلام به دو طیف می‌توان تقسیم کرد: برخی از آنان دین اسلام را پذیرفته بودند که طبیعتاً در این نوشتار مواجهه امام علی علیه السلام با این طیف مدنظر نیست؛ طیف دیگری از ایرانیان کسانی بودند که بر همان دین سابق خویش، یعنی دین زرتشتی یا ادیان دیگری همچون مسیحیت یا یهودیت، باقی بودند و درحقیقت غیرمسلمانانی بودند که جزء اهل ذمه به‌شمار می‌رفتند. بخشی از غیرمسلمانان در زمان آن حضرت شورشانی بودند که به علل مختلف در بخش‌هایی از ایران دست به اعتراض می‌زدند و موجب واکنش امام می‌شدند و بخش دیگری از آنان غیرمسلمانانی بودند که اهل شورش و اعتراض نبودند و امیرمؤمنان علیه السلام در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، به‌ویژه در عصر حکومت خویش، با آنان تعاملاتی داشته‌اند. در این نوشتار به‌دلیل محدودیت حجمی، به مواجهه آن حضرت با دسته اول، یعنی شورش‌گران ایرانی، پرداخته نخواهد شد.

بنابراین سؤالی که در اینجا مطرح است، چنین است: برخورد امام علی علیه السلام در مواجهه با ایرانیان غیرمسلمان (بجز شورشیان) چگونه بوده است؟

فرضیه ابتدایی این نوشتار چنین است: امام علی علیه السلام با الهام از قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با ایرانیان غیرمسلمان برخوردی شایسته و همراه با مدارا داشتند و با در پیش گرفتن عدالت و مهرورزی در قبال آنان، در جذب آنان به دین اسلام بسیار مؤثر بوده‌اند.

پیش از این برخی از نویسندگان مواجهه امیرمؤمنان علیه السلام با غیرمسلمانان ایران را به‌تصویر کشیده‌اند. سیدمحمود سامانی در کتاب *مناسبات اهل بیت علیهم السلام با ایرانیان*، در فصل پنجم به مناسبات امام علی علیه السلام و ایرانیان - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - پرداخته است. ایشان ضمن اشاره به چگونگی اداره ایران توسط امام علی علیه السلام بیشتر مباحثش را به تعامل آن حضرت با ایرانیان اختصاص داده است که دین اسلام را پذیرفته‌اند.^۱ علی‌اکبر ذاکری نیز در کتاب *سیمای*

کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنینؑ، ضمن معرفی کارگزاران آن حضرت در شهرها و مناطق مختلف ایران، در لابه‌لای مباحث، به مناسبت از تعامل آن حضرت با ایرانیان غیرمسلمان نیز سخن گفته است.^۱ ذکری در مقاله‌ای نیز با عنوان «امام علی و ایرانیان؛ دولت کریمه و رفتار کریمه»، به تعامل آن حضرت با ایرانیان - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - پرداخته است.^۲ در مقالاتی که به بحث دربارهٔ نوع برخورد امام علیؑ با اقلیت‌های دینی پرداخته شده،^۳ تمرکز مطالب بر اقلیت‌های ساکن در جزیره‌العرب - اعم از مسیحیان، یهودیان و حتی برخی فرقه‌های اسلامی منحرف مانند خواجه - است و به غیرمسلمانان ایران چندان توجه نشده است؛ ضمن اینکه در این دست‌نوشته‌ها تمرکز مطالب و داده‌ها تنها بر سخنان امیرمؤمنانؑ بوده و به عملکرد آن حضرت کمتر توجه شده است. بنابراین در نوشته‌های پیشین به‌طور خاص به مواجههٔ آن حضرت با غیرمسلمانان ایران توجه نشده یا به‌طور گذرا از آن یاد شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. غیرمسلمانان

غیرمسلمانان در تعریفی مختصر به کسانی - اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب - اطلاق می‌شود که دین اسلام را نپذیرفته و در سلک مسلمین وارد نشده‌اند. اهل کتاب بیشتر شامل مسیحیان و یهودیان می‌شود؛ اما دربارهٔ اهل کتاب بودن زرتشتیان، برخی تردید کرده‌اند؛ باین حال اینان نیز به اهل کتاب ملحق شده‌اند؛ چنان‌که امام علیؑ در روایتی آنان را در زمرهٔ اهل کتاب برشمرده‌اند.^۴ صابئین نیز جزء اهل کتاب به‌شمار آمده‌اند. غیر اهل کتاب نیز شامل بت‌پرستان، دهریون، بی‌دینان، پرستندگان اجرام آسمانی و... هستند. در این نوشتار مقصود از غیرمسلمانان، بیشتر اهل کتاب، به‌ویژه زرتشتیان هستند.

۱-۲. ایرانیان

دربارهٔ ایرانیان، در متون قدیم و در سیرهٔ گفتاری مسلمانان صدر اسلام، واژه‌های مختلفی به‌کار می‌رفته است که در ادامه این واژه‌ها - به‌دلیل ارتباطی که با این نوشتار دارند - به‌اختصار تعریف و تبیین می‌شوند. یکی از این واژه‌ها، واژهٔ «موالی» است. «موالی» جمع «مولی» است و در لغت به معانی مختلفی آمده است؛ همچون هم‌پیمان، اقربا و نزدیکان مانند پسرعمو،^۵ برادر و پسر (عشیرهٔ فرد)، یاری‌کننده، سرپرست و آزادکنندهٔ فرد.^۶

۱. رک: علی اکبر ذکری، سیمای کارگزاران علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنینؑ، ج ۱، ص ۲۴۵-۵۰.

۲. علی اکبر ذکری، امام علی و ایرانیان؛ دولت کریمه و رفتار کریمه.

۳. حسین زارع و رحمت‌الله روحی، حقوق اقلیت‌های دینی در نهج‌البلاغه.

۴. «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ كِتَابًا وَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا...» (محمدین علی صدوق، التوحید، ص ۳۰۶).

۵. خلیلین احمد فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۴۶۵؛ محمدین مکرّم ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۸؛ محمدین احمد زهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۶۴.

۶. محمدین مکرّم ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۸.

واژه «موالی» از این جهت درباره غیرعربها به‌ویژه ایرانیان مسلمان به‌کار رفته است^۱ که لازم بود با یکی از قبایل عرب هم‌پیمان باشند.

دیگر واژه ناظر به ایرانیان، واژه «عجم» است. «عجم» در لغت به‌معنای غیرعرب است.^۲ تعبیر «عجم» یا «عجمی» بیشتر برای کسانی اطلاق می‌شد که به زبان عربی سخن نمی‌گفتند. در مواردی نیز این واژه اختصاصاً درباره ایرانیان کاربرد داشته است.^۳

واژه «دهقان» نیز درباره گروهی از ایرانیان به‌کار رفته است. «دهقان»، که جمع آن «دهاقین» در نهج البلاغه هم به‌کار رفته،^۴ «مرب ده‌خان، دهگان یا ده‌بان، به‌معنای رئیس روستا، بازرگان، بزرگ ده و مرد متمول بوده است.^۵ جایگاه اجتماعی دهقانان را می‌توان به کدخداهای قدیم تشبیه کرد.

واژه «عُلُوج» هم درباره گروهی از ایرانیان است. «علوج» جمع «علج» به‌معنای مرد قوی، تنومند، خشن، دارای ریش یا مرد کافر عجمی نیرومند بوده است.^۶ این واژه بیشتر درباره کشاورزان ایرانی که در زمین‌های زراعی کار می‌کردند، به‌کار رفته است.

واژه «حمراء» جمع «احمر» به‌معنای سرخ‌روی^۷ و آنچه به رنگ سرخ یا قرمز باشد،^۸ از دیگر واژه‌هایی است که درباره ایرانیان (و رومیان) به‌دلیل سفیدی مایل به سرخی پوستشان به‌کار می‌رفته است.^۹ «حمراء دیلم» ایرانیانی بودند که پس از نبرد قادسیه در کوفه ساکن شده بودند و تعداد آنان ابتدا چهار هزار نفر بود.^{۱۰}

رسول خدا ﷺ در حدیثی در تجمید از ایرانیان فرموده‌اند: اگر علم (در حدیث دیگری، ایمان) در ثریا باشد، مردانی از فارس به آن خواهند رسید.^{۱۱}

۱-۳. اهل ذمه

واژه «ذمه» جمع «ذیم» به‌معنای امان، عهد، ضمانت، تعهد، ضمیر و باطن است.^{۱۲} اهل ذمه در اصطلاح به معاهدانی

۱. درباره کاربرد این واژه در مورد ایرانیان مسلمان، رک: فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۶۴؛ عبدعلی‌بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶.

۲. خلیل‌بن احمد فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۳۲۷؛ اسماعیل‌بن عباد صاحب‌بن عباد، المحیط فی اللغة، ج ۱، ص ۲۲۴؛ محمدبن حسن ابن‌درید، جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۴۸۴.

۳. رک: مبارک‌بن محمد ابن‌ثیر، النهاية فی غرب الحديث، ج ۱، ص ۴۸۳؛ علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۳۹۸.

۴. نهج البلاغه، نامه ۱۹، ص ۳۷۶.

۵. احمدبن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۲۰۱؛ فواد افرم بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۴۰۰.

۶. محمدبن مکرم ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۲۶؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۱۹.

۷. محمدبن حسن ابن‌درید، جمهرة اللغة، ص ۵۲۳.

۸. حسین‌بن محمد راعب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۵۷؛ فواد افرم بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۲۵.

۹. مبارک‌بن محمد ابن‌ثیر، النهاية، ج ۱، ص ۴۳۸؛ محمدبن مکرم ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۱۰.

۱۰. احمدبن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۷۵.

۱۱. عبدالله‌بن جعفر حمیری، قرب الایسات، ص ۱۰۹؛ فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۶۴.

۱۲. فواد افرم بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۴۰۵؛ محمدبن مکرم ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۲۱.

از اهل کتاب اطلاق می‌شود که با قرارداد «ذمه» در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند و با پرداخت جزیه^۱ از امنیت مالی، جانی، عرضی و دینی برخوردارند.^۲ امام علیؑ در روایتی، از حرمت جان و مال ایشان سخن گفته‌اند.^۳

۲. مواجههٔ امام علیؑ با ایرانیان قبل از دستیابی به حکومت

امام علیؑ قبل از دستیابی به خلافت، رفتارها یا سخنانی داشته‌اند که به ایرانیان غیرمسلمان ارتباط می‌یابد. از آنجاکه در این نوشتار تکیهٔ مباحث بر نوع مواجههٔ امام علیؑ با ایرانیان غیرمسلمان در عصر حاکمیت ایشان است، این موارد به اختصار بیان می‌شود.

در زمان خلیفهٔ دوم، امام علیؑ در مواردی به وی مشورت می‌دادند که به فتح ایران مربوط است. در این زمان، آن حضرت هر چند پیشنهاد فرماندهی جنگ با ایرانیان را - به سبب اعتراضی که به حق غصب شدهٔ خویش داشتند - رد کردند،^۴ اما احساس مسئولیت در قبال سرنوشت جامعهٔ اسلامی^۵ سبب شد که ایشان از ارائهٔ راهکارهای مؤثر برای موفقیت مسلمانان در فتوحات و جلوگیری از سوءمدیریت‌ها و کج‌روی‌های فاتحان و تخلفات آنان، طرفه نروند.^۶ در سال ۱۳ هجری و بعد از نبرد جسر، امام علیؑ خلیفه را از حضور در میدان نبرد نهی کردند^۷ و در سال ۲۱ هجری نیز ضمن اشاره به امدادها و وعده‌های الهی در یاری دین اسلام، باز خلیفه را از حضور در میدان نبرد نهی فرمودند. آن حضرت همچنین در این زمان دربارهٔ سیاست چگونگی اعزام نیرو به منطقهٔ نبرد اعلام نظر کردند.^۸

افزون براین، امام علیؑ قبل از دورهٔ حاکمیت خویش، از دختران اسیر ایرانی حمایت کردند. هر چند روایاتی که به اسارت برخی شاهزادگان ایرانی در زمان فتوحات اشاره دارند، با ابهاماتی همراه هستند،^۹ اما بررسی این روایات به صورت کلی نشان می‌دهد که امام علیؑ از آنان حمایت کرده‌اند.^{۱۰}

۱. جزیه از ماده جزی یجزی و یا از واژه فارسی گزیت، مالیات سرانه ای است که از اهل کتاب به خاطر اقامتشان در پناه حکومت اسلامی - که حافظ جان، مال و ناموس آنان

است - به میزان توانایی ایشان اخذ می‌شود (ر.ک: محمدبن حسن طوسی، الخلافه ج ۵، ص ۵۴۳؛ حسین بن یوسف بن مطهر حلی، مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۴۴۳ و ۴۴۶). در قرآن کریم به اخذ جزیه از اهل کتاب اشاره شده است (ر.ک: توبه: ۲۹).

۲. حسین بن یوسف موسی، الإصحاف فی فقه اللغه، ج ۱، ص ۶۳۷؛ احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۲، ص ۳۴۶؛ نshan بن سعید حمیری، شمس العلوم، ج ۴، ص ۲۲۲۸.

۳. احمدبن عبدالوهاب نویری، نهایة الأرب، ج ۳، ص ۳۹۲؛ محمد بن حسن شیبانی، الحجة علی اهل المدینه، ج ۴، ص ۲۵۴.

۴. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۱۰؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۵۱.

۵. نهج البلاغه، نامه ۶۲، ص ۴۵۱.

۶. محمدبن محمدبن نعمان مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۰۷.

۷. احمدبن ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۱۲۷؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۹.

۸. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۲۴؛ احمدبن داود دینوری، الأخبار الطوال، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ احمدبن ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۵؛ محمدبن

محمدبن نعمان مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، ص ۲۰۳-۲۰۴.

۹. ر.ک: سیدجعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسنؑ، ص ۲۹۹.

۱۰. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۷.

علاوه بر این، آن حضرت از علوچ که بر روی زمین‌های کشاورزی کار می‌کردند، در برابر تصمیم دستگاه خلافت مبنی بر اینکه آنان را به‌عنوان برده به‌همراه زمین‌های سواد بین مجاهدان تقسیم کند، حمایت کردند. نظر امیرمؤمنان علی علیه السلام این بود که خلیفه زمین‌های سواد را رها کند تا ذخیره و اساس برای تمامی مسلمانان باشد.^۱ در اینجا، امام علی علیه السلام با مشورتی که ارائه کردند، ضمن اینکه سبب شد زمین‌های کشاورزی در مناطق مختلف از دست حکومت خارج نشود و بهره آنها (خراج دریافتی از آنها) به همه مسلمانان برسد،^۲ از برده شدن کشاورزان ایرانی - که منابع تاریخی تعداد آنها را ۵۰۰ تا ۵۵۰ هزار نفر دانسته‌اند -^۳ جلوگیری کردند.^۴

۳. مواجهه امیرمؤمنان علیه السلام با ایرانیان در دوران حکومت

بیشترین مواجهه امیرمؤمنان علیه السلام با ایرانیان به زمان حاکمیت ایشان برمی‌گردد. در این زمان، ایران به‌عنوان بخشی از قلمرو جغرافیایی اسلام - که هنوز بیشتر جمعیت آن را زرتشتیان تشکیل می‌داد - تحت نظر امام علی علیه السلام بود. امیرمؤمنان علیه السلام در این دوره در برخورد با ایرانیان غیرمسلمان، خوش‌رفتار و اهل مدارا بودند. آن حضرت که در مواردی از خوش‌رفتاری با همه افراد سخن گفته‌اند،^۵ همواره به خوش‌رفتاری همگان - به‌ویژه کارگزاران حکومتی - با اهل ذمه سفارش کرده‌اند.^۶ در عهدنامه مالک اشتر^۷ و در وصیت امیرمؤمنان علیه السلام به امام حسن علیه السلام نیز بر خوش‌رفتاری و رواداری با اقلیت‌های دینی تأکید شده است.^۸

۳-۱. پذیرش ایرانیان به‌عنوان اهل ذمه

از منظر امام علی علیه السلام، ایرانیان که بیشتر آنها بر دین سابق خویش، یعنی دین زرتشتی باقی مانده بودند، در زمره اهل کتاب قرار داشتند. برخی از یاران امیرمؤمنان علیه السلام به آن حضرت اعتراض داشتند که چرا ایشان ایرانیان را در زمره اهل ذمه قرار داده‌اند؛ درحالی‌که نه کتابی دارند و نه پیامبری به‌سوی آنان اعزام شده است. آن حضرت - همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله که پیش از این ایرانیان زرتشتی را در زمره اهل کتاب قرار داده بودند -^۹ در پاسخ به این ایراد فرمودند:

۱. قاسم بن سلام ابوعبید، الاموال، ص ۷۴؛ یعقوب بن ابراهیم ابویوسف، الخراج، ص ۳۶ و ۲۵۲۴؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۶۲؛ ابن‌واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۲.

۲. یعقوب بن ابراهیم ابویوسف، الخراج، ص ۲۵۲۴.

۳. همان، ص ۱۲۸؛ یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۷۵.

۴. رک: علی اکبر ذاکری، امام علی علیه السلام و ایرانیان، ص ۶۶-۶۵.

۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۰؛ علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم، ص ۸۲.

۶. ابن‌واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۵۴۰.

۷. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۳.

۸. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۴۸؛ اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر، البداية و النهاية، ج ۷، ص ۳۲۷.

۹. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۵۶۸.

«خداوند بر آنان کتابی نازل کرده و برای آنان پیامبری فرستاده است»؛ سپس توضیح دادند که پادشاهان فاسد آنان، دینشان را تحریف کرده‌اند.^۱

۳-۲. عدم تحکم بر ایرانیان غیرمسلمان

از منظر امیرمؤمنانؑ، انسان‌ها به‌طور عام و اقلیت‌های دینی به‌طور خاص در پذیرش یا عدم پذیرش اسلام آزاد بودند.^۲ آن حضرت با پذیرش ایرانیان زرتشتی به‌عنوان اهل ذمه، درواقع باقی ماندن آنان بر دین خویش را پذیرفته بودند و تنها به دریافت جزیه از آنان اکتفا می‌کردند. طبق شواهد موجود، امیرالمؤمنینؑ در منطقهٔ عراق، که خود شخصاً در آنجا حضور داشتند، مانع فعالیت‌های مذهبی آنها در عبادتگاهشان نمی‌شدند. نقلی از شیخ صدوق هست که نشان می‌دهد در منطقهٔ حیره کلیسایی بود که آزادانه صدای ناقوس را پخش می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که امام علیؑ تفسیری نیز از صدای آن ناقوس برای یکی از یاران خویش بیان کرده‌اند.^۳

مورد دیگری که از عدم تحکم امیرمؤمنانؑ بر ایرانیان غیرمسلمان حکایت دارد، مربوط می‌شود به زمانی که یکی از کارگزاران آن حضرت دختری از خسروان ایرانی را اسیر کرد و نزد ایشان فرستاد. امام وی را برای امام حسنؑ خواستگاری کردند و چون وی نپذیرفت، امام او را در انتخاب همسر آیندهٔ خویش آزاد گذاشتند.^۴ این قضیه نشان‌دهندهٔ خوش‌رفتاری و عدم سخت‌گیری آن حضرت با این دختر اسیرشدهٔ ایرانی است.

۳-۳. تأمین امنیت مالی و جانی ایرانیان غیرمسلمان

از منظر امام علیؑ، جزیه‌ای که از اهل ذمه به‌عنوان یکی از تعهدات آنان^۵ گرفته می‌شد، در قبال تأمین امنیت جانی و مالی آنان بود.^۶ امیرمؤمنانؑ در یکی از سخنان خویش همین امر را بیان کرده‌اند: «إنما یبدلون الجزیه، لتکون أموالهم کأموالنا، و دماؤهم کدمائنا»؛ آنان جزیه می‌دهند تا اموالشان همانند اموال ما و خون‌هایشان همانند خون‌های ما باشد.^۷

در جریان حملهٔ نیروهای شامی به انبار - شهری در کرانهٔ فرات در ده‌فرسخی بغداد -^۸ که به‌دستور معاویه انجام شده و در ضمن آن، به زنان مسلمان و غیرمسلمان بی‌حرمتی شده بود، امام علیؑ از اینکه جان و مال مسلمانان و

۱. محمدبن علی صدوق، التوحید، ص ۳۰۶.

۲. «وَإِنَّ النَّاسَ لَكُلُّهُمْ أُمَّرَأَةٌ» (سیدصادق موسوی، تمام نهج‌البلاغه، ص ۴۰۵).

۳. محمدبن علی صدوق، الامالی، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ محمدبن علی صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۳۱.

۴. احمدبن داود دینوری، أخبار الطوال، ص ۱۵۴.

۵. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۱.

۶. احمدبن عبدالوهاب نویری، نهیة الأرب، ج ۳، ص ۳۹۲؛ عبدالحمیدبن هبته‌الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۷، ص ۱۴۸.

۷. احمدبن عبدالوهاب نویری، نهیة الأرب، ج ۳، ص ۳۹۲؛ عبدالحمیدبن هبته‌الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۷، ص ۱۴۸؛ حسن‌بن یوسف‌بن مطهر حلّی، ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۳۸۹ (یاورقی)؛ علی‌اکبر کلانتری، الجزیه و احکامها، ص ۱۴.

۸. «مدینة علی الفرات فی غربی بغداد بینهما عشرة فراسخ» (یاقوت‌بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۵۷).

اهل ذمه مورد تعرض قرار گرفته بود، به شدت ناراحت و گلايه‌مند بودند. حضرت در اینجا از محفوظ بودن جان و مال اهل ذمه سخن گفتند و ضمن سرزنش یاران خویش، به تأسف شدیدى که باید به سبب این حادثه برای هر مسلمانی عارض شود، اشاره کردند و با سخنانی توییح‌آمیز و غفلت‌زا خواستار اتحاد یاران خویش برای مقابله با نیروهای غارتگر شامی شدند.^۱ این داستان ضمن اینکه از حضور غیرمسلمانان در جامعه اسلامی در زمان امیرمؤمنان علیه السلام و در شهرهای تحت حکمرانی آن حضرت حکایت دارد، نشان می‌دهد که آن حضرت به همان اندازه که نگران امنیت یک مسلمان بودند، نگران امنیت غیرمسلمانان نیز که به عنوان معاهد در جامعه زندگی می‌کردند، بودند.

امیرمؤمنان علیه السلام به منظور تأمین امنیت اموال اهل ذمه، از کارگزاران خویش درخواست داشتند که به مال کسی - خواه مسلمان یا اهل ذمه - دست نزنند.^۲ براساس نقلی، وقتی مالیات منطقه‌ای را برای آن حضرت می‌آوردند، ایشان نمایندگان مردم را فرامی‌خواندند و آنها را بر خراج‌گیران گواه می‌گرفتند که آن را با ستم بر احدی از مسلمانان یا اهل ذمه جمع نکرده باشند.^۳ این میزان حساسیت نشان‌دهنده میزان توجه و تعهد آن حضرت به رعایت حقوق مسلمانان و غیرمسلمانان است.

آن حضرت در یک مورد وقتی خبر سوءاستفاده مالی یکی از کارگزاران خویش - در گرفتن جزیه - را دریافت کردند، آن کارگزار را احضار نمودند و درباره میزان جزیه و چگونگی دریافت و مصرف آن از وی پرسش کردند.^۴ در جریان شورش خربیت بن راشد، از سران شورشی خوارج، نیز امام علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به همه کسانی که با وی همراه شده بودند، اعم از مسلمان، مسیحی و مرتدان، به مصونیت مالی و جانی آنان در صورت جدایی از خربیت اشاره کردند.^۵

امام علی علیه السلام در راستای تأمین امنیت جانی ایرانیان غیرمسلمان، هرگونه آزارسانی به آنان را رد کرده‌اند. در یک مورد، آن حضرت از آزارسانی عده‌ای به اهل ذمه اظهار نگرانی کرده^۶ و این امر را همانند آزارسانی به خویش دانسته‌اند.^۷

از منظر امام علی علیه السلام، رعایت حقوق اهل ذمه لازم است و همان‌گونه که طرح دوستی با آنان جایز نیست، شایسته هم نیست که درباره آنها سنگ‌دلی و بدرفتاری و ظلم و ستمی صورت بگیرد.^۸ از همین رو آن حضرت پس شکایت عده‌ای از دهقانان غیرمسلمان ایرانی از عمر بن ابی سلمه ارحبی، حاکم خویش در فارس، از وی خواست با

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۶۹

۲. همان، نامه ۵۱، ص ۴۲۵.

۳. یعقوب بن ابراهیم ابویوسفه الخراج، ص ۱۲۸.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۴۲.

۵. ابراهیم بن محمد تقی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۳۵۸.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۵۴۰.

۷. عبدالحمید بن هبئ‌الله ابن ابی‌الحدید شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۱۴۷.

۸. نصیر بن مزاحم مرقی، وقعه صفین، ص ۱۴۴؛ محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۳۷۵؛ محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۵.

اهل ذمه با اعتدال و خوش رفتاری عمل کند و به سبب پیمانی که با آنان بسته شده است، ضمن اینکه از آنان جزیه را می‌گیرد، ظلم و ستمی بر آنان روا ندارد.^۱ توجه به سخنان امام علیؑ نشان می‌دهد که آن حضرت با الهام از آیات قرآن کریم^۲ سعی کرده‌اند نوع مواجهه با غیرمسلمانان را به کارگزاران حکومتی آموزش دهند.

۳-۴. رعایت عدالت درباره ایرانیان

لزوم رعایت عدالت درباره غیرمسلمانان ایرانی و احترام به حقوق آنان، بخش دیگری از نوع رفتارهای امام علیؑ با ایشان است.^۳ بررسی نوع برخورد امام علیؑ با ایرانیان و به‌طور کلی عجم‌ها نشان می‌دهد که آن حضرت به هیچ‌روی فردی قوم‌گرا و ضدایرانی نبودند. در یک مورد، آن حضرت ضمن اشاره به ناپسندی تعصب، می‌فرماید: اگر کسی می‌خواهد تعصب داشته باشد، باید تعصبش در یاری حق و فریادرسی به مظلوم باشد.^۴ در جای دیگری تعصب عربی را عامل عذاب در روز قیامت دانسته‌اند.^۵

آن حضرت، از آنجاکه عرب و عجم در نظرشان فرقی نداشت،^۶ در یکی از سفارش‌های خود، ضمن اشاره به سهم هریک از شهروندان جامعه اسلامی از جمله اهل ذمه، تقسیم عادلانه و اسلامی حقوق همگان را وظیفه دینی خویش بر شمرده‌اند.^۷ نمونه آن نامه‌ای است که برای زیادبن ابیه، عامل خویش در فارس و کرمان، ارسال کرده‌اند.^۸ این امر نشان می‌دهد برای آن حضرت تفاوتی نداشت که افراد تحت حکومت کارگزارانش عرب باشند یا عجم؛ همگان موظف‌اند در همه‌جا عدالت را رعایت کنند.

۳-۵. تلاش برای برطرف ساختن مشکلات ایرانیان

بخشی از دغدغه امام علیؑ در دوران زمامداری‌اش، رسیدگی به کارها و مشکلات مردم بوده است.^۹ امیرمؤمنانؑ در قبال حل مشکلات ایرانیان غیرمسلمان، انتظار مزد و پاداش نداشت. در یک مورد، آن حضرت پس از حل مشکل برخی از دهقانان و بزرگان ایرانی، وقتی دید آنان به منظور قدردانی مبلغی نزد ایشان آورده‌اند، آن را نپذیرفتند

۱. احمدبن یحیی بلاذری، انساب الاشرافه ج ۲، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ ابن‌واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ نهج‌البلاغه، نامه ۱۹، ص ۳۷۶.

۲. ابن‌واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ نهج‌البلاغه، نامه ۱۹، ص ۳۷۶.

۳. ابراهیم‌بن محمد تقی کوفی، الفارقات، ج ۱، ص ۲۳۴؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۶ ص ۶۵.

۴. عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلمه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۵. هادی کاشف الغطاء، مستدرک نهج‌البلاغه، ص ۱۵۹.

۶. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۲، ص ۱۹۷.

۷. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۱.

۸. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷۶، ص ۵۵۹؛ رک: ابن‌واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۲.

۹. احمدبن ابن‌حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۵۳؛ محمدبن اسحاق ابن خزیمه، صحیح ابن خزیمه، ج ۱، ص ۱۲.

و اعلام کردند که برای انجام چنین اموری از کسی مبلغی نخواهند گرفت.^۱ آن حضرت به کارگزاران حکومتی نیز سفارش می‌کردند که به کمک مردم بشتابند و مشکلات آنان را حل و فصل کنند.^۲

در موردی دیگر، آن حضرت پس از اینکه گروهی از اهل ذمه ساکن فارس خدمت ایشان رسیدند و از خرابی راه‌های آبی خود گلایه کردند، به کارگزار خویش در فارس دستور دادند که به منظور حل مشکل مردم در امر کشاورزی، نهر آب ایشان را اصلاح کند. در این مورد، امام به کارگزار خود نامه نوشتند که به آباد ساختن آن با کمک کسانی از اهالی آنجا که خود مایل‌اند کمک کنند، اقدام کند و کسی را برای انجام آن مجبور نسازد. در این دستور، امام آبادی آن منطقه و توانمند بودن ساکنانش را بهتر از ضعیف بودنشان می‌داند.^۳ این موارد نشان می‌دهند که امام علی علیه السلام بیش از آنکه بخواهند خراج و مالیات از غیرمسلمانان بگیرند، توانایی آنان را در نظر داشتند و در فکر حل مشکلات و گرفتاری‌های آنان بودند.

۳-۶. عدم سخت‌گیری در دریافت جزیه و خراج

امیرمؤمنان علیه السلام تلاش داشتند که در دریافت خراج و جزیه از غیرمسلمانان، رفتاری مداراگونه و همراه با مهربانی داشته و سخت‌گیری بی‌موردی نداشته باشند. آن حضرت از کارگزار خویش می‌خواهند که در دریافت خراج و مالیات، صلاح افراد را در نظر بگیرد و اگر آنان به هر علتی توان پرداخت نداشتند، با آنان مدارا کند تا امورشان به سامان برسد.^۴ سیاست مداراگونه آن حضرت در این مورد سبب شده بود که در مواردی به‌جای دریافت پول از صاحبان حرفه‌های گوناگون، اجناس تولیدی آنان، مانند طناب، سوزن و... را دریافت کنند.^۵

موارد دیگری از رواداری‌های آن حضرت در دریافت خراج نیز در منابع نقل شده است؛ از جمله اینکه آن حضرت در نامه‌ای به حذیفه بن یمان، کارگزار مدائن، که ساکنان آن ایرانی بودند، ضمن آنکه وی را مسئول جمع‌آوری جزیه نیز قرار دادند و از وی خواستند که با مهربانی، نرمی و مدارا با مردم رفتار کند، وی را از هرگونه تغییر در مقدار خراج برحذر داشتند.^۶ در مورد دیگری، آن حضرت مأمور جمع‌آوری خراج بانقیه و سواد کوفه را از هرگونه بدر رفتاری و ضرب و شتم مسلمانان و اهل کتاب بازداشتند.^۷

۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۵۳؛ علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۷، ص ۲۷۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۲۷؛ نامه ۲۱، ص ۳۷۷؛ نامه ۲۷، ص ۳۸۳.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۲؛ ابن‌واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۳.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۲۵.

۵. قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار، ج ۲، ص ۳۶۲؛ عبدالله بن محمد بن ابی‌شبهه، المصنف، ج ۱۲، ص ۲۴۹؛ ج ۳، ص ۱۸۱؛ حمید بن مخلد ابن زنجویه، الاموال، ج ۱، ص ۱۴۱؛ قاسم بن سلام ابوعبیده، الاموال، ج ۱، ص ۵۶.

۶. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۳۲۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۸۸.

۷. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴.

در نامه‌ای که امام علیؑ به کارگزاران خراج نوشته‌اند نیز ضمن بیان برخی مواظبات اخلاقی و لزوم پاسخ‌گویی دربارهٔ کردارها در روز قیامت، خواستار ترحم در قبال خراج‌دهندگان شده‌اند و از شکنجه و آزار و تکلیف فراتر از طاقت بر ایشان نهی کرده و به انصاف، شکیبایی و عدالت سفارش نموده‌اند.^۱

تمامی این نقل‌ها - که سفارش‌های متعدد امیرمؤمنانؑ به غیرمسلمانان را به تصویر می‌کشند - نشان می‌دهند که سیرهٔ امام علیؑ در دریافت جزیه و خراج، رواداری دربارهٔ اهل ذمه بوده است و آن حضرت تلاش داشتند زمینه‌ای را فراهم کنند که به احدی، اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان، هیچ‌گونه ظلم و ستمی وارد نشود.

۳-۷. امیرمؤمنانؑ و هدیه‌های ایرانیان

با استناد به برخی از شواهد تاریخی، امام علیؑ هدایای ایرانیان غیرمسلمان را پذیرفته‌اند. گفته شده است که اگر امام علیؑ در ایام نوروز هدیه‌ای از سوی ایرانیان دریافت می‌کردند، آن را می‌پذیرفتند و به‌عنوان خراج یا جزیه از سوی آنان محاسبه می‌کردند.^۲

براساس نقلی دیگر، یکی از دهقانان ایرانی به‌رسم هدیه پیراهنی طلبافت به امیرمؤمنانؑ هدیه کرد.^۳ آن حضرت - بجز در یک مورد که شیشهٔ عطری از یکی از دهقانان ایرانی هدیه گرفتند و مورد استفاده قرار دادند -^۴ هدایای دریافتی را در بیت‌المال قرار می‌دادند تا در وقتش به نیازمندان و مستحقان بدهند.^۵ حتی در یک مورد که دهقانی ایرانی بُردی (لباسی) به امام حسنؑ یا امام حسینؑ هدیه داده بود، امام آن را گرفتند و در بیت‌المال قرار دادند!^۶ این سخت‌گیری شاید برای آن بود که آن حضرت معتقد بودند افراد دیگری هستند که استحقاق بیشتری برای این لباس دارند و فرزندان ایشان به‌عنوان فرزندان خلیفه، نباید به‌دلیل جایگاه و موقعیت آن حضرت به‌رهای بیش از دیگران داشته باشند. این دست روایات، ضمن اینکه زهد امیرمؤمنانؑ و خوش‌رفتاری آن حضرت با ایرانیان غیرمسلمان را نشان می‌دهد، از علاقه و ارادت ایرانیان به آن حضرت نیز حکایت دارد.

۴. تأثیرات رفتارهای امیرمؤمنان علیؑ

رفتارهای انسانی و برخورد‌های نیک امیرمؤمنانؑ با ایرانیان غیرمسلمان سبب جلب آنان به اسلام و گرایش آنان به اهل‌بیتؑ و به‌طور خاص امام علیؑ شده است. براساس نقل منابع تاریخی، در جنگ صفین هشت هزار نفر از موالی و بردگان آنان حضور یافتند.^۷ این رقم که شواهدی بر درستی آن نیز هست،^۸ نشان از اقبال ایرانیان به

۱. نصرین مزاحم متقوی، وقعهٔ صفین، ص ۱۰۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۱۸.

۳. محمدبن علی ابن‌شهر آشوبه المناقب، ج ۲، ص ۱۱۲.

۴. عبدالله بن محمد بن ابی‌شبهه، المصنف، ج ۵، ص ۲۲۷؛ محمدبن حسین شریف رضی، خصائص الائمة، ص ۷۹؛ ابن‌مردویه اصفهانی، مناقب علی بن ابی‌طالبؑ، ص ۹۷.

۵. محمدبن سلیمان کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنینؑ، ج ۲، ص ۷۲؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۲۲۳-۲۲۴.

۶. علی بن حسن ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۷۸.

۷. عبدالله مسلم ابن‌قتیبه دینوری، الإمامة و السیاسة، ج ۱، ص ۱۶۶؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۷۹.

۸. رک: سیدمحمد سامانی، مناسبات اهل‌بیتؑ با ایرانیان، ص ۲۷۵.

اسلام، اهل بیت علیهم السلام و امیرمؤمنان علیه السلام است. چه بسا این افراد در اثر برخوردهای نیکوی امیرمؤمنان علیه السلام مسلمان شده باشند و به منظور حمایت از آن حضرت، در رکاب ایشان در جنگ شرکت کرده باشند. حمایت امام علی علیه السلام از علوج نیز در گرایش آنان به آن حضرت بی تأثیر نبوده است؛ به گونه‌ای که در یک مورد، یکی از همین افراد نقش نیروی اطلاعاتی را برای امام علی علیه السلام ایفا کرد و آن حضرت را از حمله نیروهای شامی باخبر ساخت.^۱

افزون بر این، گزارش‌هایی از اسلام آوردن موردی ایرانیان نیز در دست است.^۲ یک نمونه‌اش *زادان فروخ* (فرخ)، دهقانی ایرانی است که خواجه وقتی نظر او را درباره‌ی علی علیه السلام پرسیدند و او علی علیه السلام را وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی کرد، ناجوانمردانه او را به شهادت رساندند.^۳ از دیگر ایرانیانی که دین اسلام را پذیرفته و از ارادتمندان امام علی علیه السلام بوده‌اند، می‌توان به سعید بن فیروز، مشهور به *ابوالبختری*،^۴ میثم تمار^۵ و *زادان ابوعبدالله*^۶ اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

واکاوی مواجهه امیرمؤمنان علیه السلام با ایرانیان غیرمسلمان - که بیشتر زرتشتی و در مواردی مسیحی یا یهودی بودند - نشان می‌دهد که آن حضرت در برابر آنان سیاست تساهل و مدارا را در پیش گرفته و با آنان خوش‌رفتار بودند.

امیرمؤمنان علیه السلام ضمن اینکه زرتشتیان را به عنوان اهل کتاب می‌پذیرفتند و از این حکم در برابر معترضین عرب دفاع می‌کردند، در سیره خویش هیچ تحکمی بر آنان روا نمی‌داشتند و از تکبر در برابر آنان به دور بودند.

آن حضرت بر امنیت مالی و جانی ایرانیان غیرمسلمان تأکید می‌کردند و می‌کوشیدند عدالت را درباره‌ی آنان رعایت کنند و مشکلات آنان را برطرف سازند.

همچنین آن حضرت از آزارسانی به آنان نهی می‌کردند و در مواردی با پذیرش هدایای آنها، مهر و محبت خویش را به آنان نشان می‌دادند.

رفتارهای آن حضرت با ایرانیان غیرمسلمان، در روی آوردن آنان به اسلام و اهل بیت علیهم السلام مؤثر بود؛ به گونه‌ای که ایرانیان علاوه بر تقدیم هدیه‌های خویش به آن حضرت، در مواردی از آن حضرت حمایت می‌کردند و بعضاً دین اسلام را می‌پذیرفتند و در سلک شیعیان آن حضرت وارد می‌شدند.

۱. ابراهیم بن محمد تقی کوفی، *الغارات*، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲. «و اسلم دهقان...» (عبدالله بن محمد بن ابی‌شبهه، المصنف، ج ۴، ص ۴۰۴؛ احمد بن علی جصاص، *احکام القرآن*، ج ۵، ص ۳۲۱؛ حمید بن مخلد ابن زنجویه، *الاموال*، ج ۱، ص ۲۱۹؛ یعقوب بن ابراهیم ابویوسف، *الخراج*، ج ۱، ص ۶۱.

۳. ابراهیم بن محمد تقی کوفی، *الغارات*، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۰؛ احمد بن یحیی بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۴۱۲؛ محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۵، ص ۱۱۷.

۴. محمد بن حسن طوسی، *الرجال*، ص ۴۳.

۵. محمد بن محمد بن نعمان مفید، *الارشاد*، ج ۱، ص ۳۳۳؛ ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۲، ص ۲۸۲.

۶. احمد بن محمد بن خالد برفی، *طبقات الرجال*، ص ۳۵.

منابع

- نهج البلاغه، تصحيح و تحقيق صبحي صالح، قم، دار الهجرة، بی تا.
- ابن ابی الحديد معتزلی، عبدالحميدبن هبةالله، شرح نهج البلاغه، قم، كتابخانه آيت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن ابی شيبه، عبداللهبن محمد، المصنف، بيروت، دار الکتب العلميه، ۱۴۱۶ق.
- ابن اثير، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث، چ چهارم، قم، اسماعيليان، ۱۳۶۷.
- ابن اعثم کوفی، احمدبن، الفتوح، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالأضواء، ۱۴۱۱ق.
- ابن حنبل، احمدبن، مسند احمد، بيروت، دار صادر، بی تا.
- ابن خزيمه، محمدبن اسحاق، صحيح ابن خزيمة، بی جا، المكتب الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
- ابن دريد، محمدبن حسن، جهمرة اللغة، بيروت، دارالعلم للملایين، بی تا.
- ابن زنجويه، حميدبن مخلد، الاموال، بيروت، مركز الملك فيصل، بی تا.
- ابن شهر آشوب، محمدبن علی، المناقب، قم، علامه، ۱۳۷۹.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن قتيبه دينورى، عبداللهبن مسلم، الامامة والسياسة، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالأضواء، ۱۴۱۰ق.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۷ق.
- ابن مردويه اصفهانی، احمدبن موسى، مناقب علی بن ابی طالبؑ، قم، دار الحديث، ۱۴۲۴ق.
- ابن منظور، محمدبن مكرم، لسان العرب، چ سوم، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ابوعبيد، قاسم بن سلام، الاموال، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۸ق.
- ابويوسف، يعقوب بن ابراهيم، الخراج، قاهره، سلفيه، ۱۳۳۶ق.
- ازهرى، محمدبن احمد، تهذيب اللغة، بيروت، دار احياء التراث العربى، بی تا.
- برقى، احمدبن محمدبن خالد، طبقات الرجال، تهران، دانشگاه تهران، بی تا.
- بستاني، فواد افرم، فرهنگ ايجدى، چ دوم، تهران، اسلامى، ۱۳۷۵.
- بلاذرى، احمدبن يحيى، انساب الاشراف، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۷ق.
- ، فتوح البلدان، بيروت، دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۸م.
- تميمي آمدی، عبدالواحدبن محمد، غرر الحکم و درر الكلم، تحقيق سيدمهدى رجائى، چ دوم، قم، دار الكتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- تقفى کوفى، ابراهيم بن محمد، الفارات، تحقيق جلال الدين حسینی ارموى، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
- جصاص، احمدبن علی، احکام القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۵ق.
- حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، ايضاح الفوائد، قم، بی تا، ۱۳۸۷ق.
- ، مختلف الشيعه، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۳ق.
- حموى، ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.
- حميرى، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، آل البيت، ۱۴۱۳ق.
- ، شمس العلوم، دمشق، دارالفكر، ۱۴۲۰ق.
- حویزى، عبد علی بن جمعه، تفسير نور الثقلين، قم، اسماعيليان، ۱۴۱۵ق.
- ديلمى، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، قم، شريف الرضى، ۱۴۱۲ق.
- دينورى، احمدبن داود، الأخبار الطوال، قم، شريف الرضى، ۱۳۶۸.
- ذاکرى، علی اکبر، «امام علی و ايرانيان؛ دولت کریمه و رفتار کریمه»، نگاه حوزه، ۱۳۹۰، ش ۳۰۸.
- ، سيمای کارگزاران علی بن ابی طالب امير المؤمنينؑ، چ سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۸.
- راغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بيروت، دارالقلم.
- زارع، حسين و رحمت الله روحى، «حقوق اقلیت های دینی در نهج البلاغه»، سراج منیر، ۱۳۹۵، ش ۲۴، ص ۱۰۵-۱۳۳.

- سامانی، سید محمود، *مناسبات اهل بیت* با ایرانیان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *خصائص الائمه*، تحقیق محمد هادی امینی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
- شهیدی، سید جعفر، *زندگانی علی بن الحسین*، چ پانزدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- شیبانی، محمد بن حسن، *الحجة علی اهل المدينة*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۶ق.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
- صدوق، محمد بن علی، *الامالی*، قم، بعثت، ۱۴۱۷ق.
- ____، *التوحید*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸.
- ____، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۹.
- ____، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، چ دوم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷.
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵.
- طوسی، محمد بن حسن، *الخلاف*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
- ____، *رجال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، چ دوم، قم، هجرت، بی تا.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، چ دوم، قم، دار الهجره.
- قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- کاشف الغطاء، هادی، *مستدرک نهج البلاغه*، بیروت، مکتبه الاندلس، بی تا.
- کلانتری، علی اکبر، *الجزیه و احکامها*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، چ دوم، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲.
- کوفی، محمد بن سلیمان، *مناقب الامام امیر المؤمنین*، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، تهران، اسلامی، ۱۳۶۳.
- مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، چ دوم، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق.
- مغربی، قاضی نعمان، *تسرح الاخبار*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد*، قم، دار المفید، بی تا.
- منقری، نصر بن مزاحم، *وقعة صفین*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
- موسوی، سید صادق، *تمام نهج البلاغه*، تهران، مؤسسه امام صاحب الزمان، ۱۳۷۶.
- موسی، حسین بن یوسف، *الإفصاح فی فقه اللغة*، چ چهارم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- نوبری، احمد بن عبدالوهاب، *نهاية الأرب*، قاهره، دار الکتب و الوثائق القومیه، ۱۴۲۳ق.
- یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.